



درس ششم

فداکاران



همیشه انسان‌های بزرگ و فداکاری هستند که برای نجات جان دیگران یا ملک به همه چیز جان خود را به خطر می‌اندازند؛ به همین سبب نام و یاد این افراد فداکار، در ذهن مردم، جاودانه می‌ماند. سر بلندی می‌شود از این گونه انسان‌های بزرگ و افتخار آفرین، در هر کشوری، بسیار هست. در کشور بزرگ ایران نیز مردان و زنان، حتی کودکان و نوجوانان فداکار، فرادانند. زندگی این انسان‌ها، سرسشتق و چراغ راه ماست.

آیا تاکنون نام شهید سهام ختام، شهید محمد حسین فمیده، ریزعلی خواجوی و حسن امیدزاده را شنیده‌اید؟



نام یکی از شهیدای دوران جنگ

سهام ختام، دختر دوازده ساله‌ای بود که در شهر هویزه زندگی می‌کرد. او دختری درس خوان و باهوش بود. سهام دوره‌ی دبستان را با موفقیت به پایان رساند و با اشتیاق در کلاس اول راهنمایی ثبت‌نام کرد؛ ولی به علت آغاز جنگ تمیمی و اشغال شهر، نتوانست به مدرسه برود. سهام از اینکه شهر و مدرسه‌اش را در چنگ دشمن می‌دید، آرام و قرار نداشت و با هر وسیله‌ای می‌خواست جلوی دشمن را بگیرد. سرانجام در پانزدهم مهر ماه ۱۳۵۹، رگبار گلوله‌ی اشغالگران، سهام را به آغوش خدا رساند.

محمد حسین فهمیده، نوجوان فداکاری بود که نارنجک به کمر بست و در زیر زنجیرهای تانک دشمن، جان خود را فدا کرد تا از پیشروی آنان به سوی خاک ایران جلوگیری کند. هنگامی که خبر شهادت دیراندازی او پخش شد، امام خمینی «قدّس سرّه» فرمودند: «رهبر ما آن طفل دوازده ساله‌ای است که با نارنجک، خود را زیر تانک دشمن انداخت.»